

سرگذشت نویسنده، در کتاب «گابریل گارسیا مارکز»

می گفتند دیوانه شده، مرد خوش مشربی که با اطرافیان و همسایگانش، رفتاری دوستانه داشت، کنج عزلت گزیده و با همه قطع رابطه کرده بود و این، تعجب همه را برانگیخته بود. تمام وظایف مربوط به اداره خانه و خانواده، بر عهده همسرش مرسدس بود؛ حتی همانند یک منشی، مراقبت می کرد تا مبادا کسی از راه برسد و خلوت گایور ابرهم بزند و وقت او را ضایع کند. وقتی اندوخته خانواده تمام شد، مرسدس بی آنکه بگذارد همسرش بویی از ماجرا ببرد و رشته افکارش پاره شود، شروع کرد به فروختن وسایل خانه. سرانجام، گابریل گارسیا مارکز، با رمانی که یک سال ونیم تمام وقت، روی آن کار کرده بود و همه خلاقیت و توانایی خود را در آن به کار برده بود، به این عزلت نشینی پایان داد، اما این ختم ماجرا نبود. اگر این رمان هم همانند اثر پیشین او «ساعت شوم» با شکست روبه رو می شد، تمام امیدها و آرزوهای او در نویسندگی نقش بر آب می شد و خانواده اش را به مرز بحران مالی می کشاند. اما تقدیر بر این بود که گایو با رمان تازه اش «صد سال تنهایی» جاودانه شود. رمانی که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد و نه تنها مارکز را به شهرت، که به ثروت نیز رساند و راه رسیدن به جایزه معتبر نوبل در ادبیات را برای او هموار کرد تا پیش از همه نویسندگان نسل خود، به این افتخار نائل شود. رمانی که تا کنون نزدیک به ۱۰ میلیون نسخه از آن به فروش رفته و به همه زبان های زنده جهان، ترجمه شده است. درباره گابریل گارسیا مارکز، کتاب های زیادی نوشته شده است؛ از بیوگرافی های مفصل و پر و پیمان گرفته تا آثار تحلیلی که کارنامه پر بار او را یک به یک، مورد نقد و بررسی دقیق قرار داده اند. کتاب مختصر و مفید سوزان موادی داراج، به شکل مجذوب کننده ای، خواننده خود را با زندگی و جان مایه آثار این نویسنده آشنا می کند. مارکز، زندگی پرفراز و نشیبی داشته است که به سادگی می تواند هر نویسنده ای را جذب جزئیات جذاب آن کند. اما نویسنده کتاب حاضر، تعدا از وارد شدن به جزئیات زندگی و آثار مارکز برهیز می کند و می کوشد به شکلی اجمالی، تصویری از کلیت زندگی و آثار او ترسیم کند. داراج، در این کتاب نشان داده است که چگونه از پیوند زدن میان زندگی و آثار یک نویسنده، می توان روایتی جذاب ساخت که نه تنها برای کسانی که تازه با آثار این نویسنده آشنا شده اند، بلکه برای کسانی که او و آثارش را خوب می شناسند نیز خواندنی باشد. کتاب «گابریل گارسیا مارکز» به قلم سوزان موادی داراج و ترجمه محمود گودرزی در ۱۳۴ صفحه و با قیمت ۱۰۰۰ تومان توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است.

«جاسوس» پائولو کوئلیو به ایران آمد

«در زمان کودکی، پدر و مادرم مجبورم کردند تا پیانو یاد بگیرم؛ کاری که از آن متنفر بودم. زمانی که از خانواده جدا شدم، همه آنچه را که آموخته بودم، فراموش کردم، به جز یکی؛ اگر سازت کوک نباشد، نواختن اکثر ملودی های زیبای جهان، به اهنگی گوش خراش تبدیل می شوند. زمانی که در وین بودم و خدمت نظام وظیفه را انجام می دادم، طی دو روز مرخصی که برای استراحت و تجدید قوا داشتم، پوستر دختری را دیدم، بدون این که خودش را از نزدیک دیده باشم. فوراً چیزی را در وجود احساس کردم که هیچ مردی نباید آن را تجربه کند، عشق در نگاه اول.»

آنچه خواندید، بخشی از کتاب داستانی «جاسوس» نوشته «پائولو کوئلیو» نویسنده برزیلی است که داستانش از زبان «اماتا هاری» روایت می شود؛ زنی که به اتهام جاسوسی علیه فرانسه، در برابر جوخه اعدام ایستاد و پیش از یک قرن، از مرگ سوال برانگیز او می گذرد. کتاب «جاسوس» با ترجمه بهناز سلطانیه در ۱۶۸ صفحه، ۵۰۰ نسخه و به قیمت ۱۵ هزار تومان راهی بازار نشر شده است.

کتابخوانی، به جای پیک شادی

ظاهراً قرار است که نوروز ۹۷، نقطه عطفی برای آموزش و پرورش باشد؛ نوروزی که در آن، دیگر خبری از پیک های شادی نیست. به گفته معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش، برای نوروز سال ۹۷ داستان خوانی، داستان گوئی و داستان نویسی توسط دانش آموزان ابتدایی، جایگزین پیک نوروزی می شود. حذف تکالیفی که به کابوسی برای دانش آموزان تبدیل می شد و تشویق آنها به خواندن کتاب و قصه نویسی، می تواند اثرات مثبتی در رشد تخیل و قدرت آفرینش آنها داشته باشد. امیدواریم این طرح، با موفقیت انجام شود و حتی درسی با عنوان کتابخوانی، در برنامه کلاسی دانش آموزان گنجانده شود.

۱۲ | کتیبه نو

«رهش» آخرین کتاب رضا امیر خانی با استقبال طر فدارانش روبه ر و شد

صف کتابخوان ها برای یک رمان!



کمیل انظاری

• روزنامه نگار •

کسانی که پنجشنبه ۱۹ بهمن، از خیابان انقلاب، حوالی خیابان وصال شیرازی می گذشتند، شاهد صف طولیی بودند که کنجکاو ی شان را بر می انگيخت و سرعت گام های شان را کم می کرد. برخی گمان می کردند که صف جشنواره فیلم فجر است. پر بیراه هم نبود؛ چون صف، از سینمای سپیده هم می گذشت و آنها را به شک می انداخت. افراد کنجکاو دیگر، به امید تخفیف سرک می کشیدند و پرس و جومی کردند. دست آخر هم می فهمیدند که این جمعیت، برای خرید کتابی که داغ داغ از چاپخانه رسیده بود و با حضور نویسنده اش رونمایی می شد، صف کشیده اند. کمی عجیب به نظر می رسید؛ حتی ناشر و دست اندرکاران برنامه هم انتظار چنین جمعیتی را نداشتند و برای اینکه همه افرادی که چند ساعتی به امید دیدار آقای نویسنده و خرید نسخه ای از کتابش با امضای او در صف به انتظار ایستاده بودند، بتوانند وارد شوند، مجبور شدند چند مرتبه فروشگاه را از حاضران خالی کنند تا دیگران هم بتوانند وارد فروشگاه کتاب شوند. آنهایی که آن روز برای تهیه تازه ترین رمان رضا امیر خانی، «رهش» صف بستند، اتفاقی نادر را در ایران رقم زدند؛ اتفاقی که خیلی از کتابدوستان، خواش را هم نمی دیدند. آن هم در شرایط ناپه سامان اقتصادی و روزگار بی رونق کتاب که شمارگانش، به شماره افتاده است. در واقع، امیر خانی و نشر افق، اگر نگوئیم معجزه کرده اند، کاری کردند کارستان؛ آن هم نه فقط در تهران و راسته کتابفروشی هایش؛ آنها این اتفاق را در مشهد و قم نیز تکرار کردند.

■ بگذارید داغی اش بگذرد

رضا امیر خانی، نویسنده شگفتی سازی است. دانش آموخته مهندسی مکانیک از دانشگاه شریف، که گویا در سال ۱۳۷۱ جوان ترین خلبان کشور شناخته شده است. او سال ۱۳۵۲ در تهران به دنیا آمد و نخستین رمانش، «ارمیا» را در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد. «من او»، «قیدار»، «نفحات نفت» و ... از آثار تحسین شده او به شمار می آیند. او را نویسنده ای متعهد و انقلابی می خوانند. اما سال هاست که از پذیرش مادی جوایز دولتی سر باز می زند و تنها بعد معنوی آن را قبول می کند.

ویس مشرق

کتابگردی



یکشنبه ● ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل و دو



امیر خانی در رمان «رهش» موضوع توسعه شهری را دستمایه قرار داده و تأثیرات آن را بر عرصه های زندگی انسان معاصر در تهران امروز، به تصویر می کشد.

این خانواده است و کشمکش ی که لیا با همسرش، پیرامون مسئله مدیریت شهری دارد و با ساخت و ساز بی رویه و توسعه نامتوازن شهری، به خاطر فرزندش و فرزند ان نسل آینده، مخالف است. «امیر خانی معتقد است زن بودن شخصیت اصلی داستان، سبب شده که نثر «رهش» نسبت به اثر قبلی اش آرام تر و نرم تر باشد. رمان «رهش» در سه هزار نسخه منتشر شده است و پیش بینی می شود با توجه به استقبال غافلگیر کننده مخاطبان، به زودی به چاپ دوم برسد.

شماره پست

شخصیت اصلی داستان، خانم میانسانی است به نام «لیا» که خود و همسرش، هر دو معمارند و در کار ساخت و ساز و با فرزند بیمارشان که مشکل تنفسی دارد، خانواده ای کوچک دارند. داستان، حول محور این خانواده است و کشمکش ی که لیا با همسرش، پیرامون مسئله مدیریت شهری دارد و با ساخت و ساز بی رویه و توسعه نامتوازن شهری، به خاطر فرزندش و فرزند ان نسل آینده، مخالف است.

این خانواده است و کشمکش ی که لیا با همسرش، پیرامون مسئله مدیریت شهری دارد و با ساخت و ساز بی رویه و توسعه نامتوازن شهری، به خاطر فرزندش و فرزند ان نسل آینده، مخالف است. «امیر خانی معتقد است زن بودن شخصیت

پشت درهای کره شمالی

این داستان از خاطراتش می گوید؛ از زمانی که در سن ۱۲ سالگی، گرسنه و تنها منتظر مادر و خواهرش بود که برای پیداکردن غذا، خانه را ترک کرده بودند. دختر بچه ۱۲ ساله، چند روز بدون غذا بود و تنها کاری که می توانست بکند، انتظار کشیدن برای مرگ بود. «حسرت نمی خوریم» نوشته باربارا دمیک روزنامه نگار است. او برای نوشتن این کتاب، با پانهنده های زیادی در کره جنوبی مصاحبه کرده و در نهایت، داستان ۶ نفر از آن ها را در کتابش آورده است. او در این اثر، به یمن سال ها کار روزنامه نگاری اش، گزارش های توصیفی - روانی را از زندگی این پناهندگان آورده است؛ پناهندگانی که زندگی و طبقه متفاوتی در کره شمالی داشتند اما سرانجام همه شان، فرار بود. شخصیت های کتاب دمیک، کسانی هستند که توانسته اند از سال های قحطی کره شمالی، جان سالم به در ببرند، اما مرگ عزیزان شان را به خاطر گرسنگی دیده اند. این دو کتاب، با ترجمه زینب کاظم خواه از سوی نشر ثالث منتشر شده است.



خیلی ها دوست دارند بدانند پشت درهای کره شمالی چه می گذرد؟ مردمش چگونه زندگی می کنند؟ چگونه می اندیشند؟ شایعات زیادی درباره کره شمالی -یکی از بسته ترین کشورهای جهان- وجود دارند. این کشور منزوی، مراوده مردمش با دیگر کشورها را به شدت محدود کرده که همین موضوع، به شایعات بیشتر دامن می زند. برخی می گویند مردم این کشور هر روز صبح روبه روی مجسمه کیم ایل سونگ، بنیانگذار و رئیس جمهور ابدی جمهوری خلق کره شمالی می ایستند و به نشانه احترام به رهبر فقیدشان، گریه می کنند. برخی دیگر می گویند در جریان قحطی سال های گذشته،

مردم بیشماری، از گرسنگی به خوردن علف رو آوردند و بسیاری هم از گرسنگی تلف شدند. نشر ثالث، به تازگی دو کتاب «هزار فرسنگ تا آزادی» و «حسرت نمی خوریم» را راهی بازار نشر کرده که هر دو به زندگی مردم عادی در کره شمالی اختصاص دارند. «هزار فرسنگ تا آزادی» نوشته یون سون کیم است. نویسنده در

می تواند تأثیر چشمگیری بر فرآیند رشد مغز و پیشرفت عصبی او داشته باشد. تأثیرات متوالی این فرآیندها، رشد هوشی و اجتماعی و پیشرفت جسمانی کودک را تحریک می کند. نویسندگان که در ابتدا به کودکان عقب مانده جسمی کمک کردند تا بتوانند همانند بچه های سالم حرکت داشته باشند، چهار دست و پا حرکت کنند و سرانجام راه بروند و بدوند، در این کتاب می کوشند به والدین یاد دهند که چگونه کودکان سالم را از مرحله تولد تا سطح کامل آمادگی جسمانی، پیش ببرند. آنها معتقدند که اگر این کارها با نظمی خاص و به صورت هدفمند برای کودک انجام شوند، او می تواند

به سطحی از آمادگی جسمانی برسد که بتواند آماده هر فعالیتی در جوانی یا ادامه زندگی اش باشد. کتاب «چگونه کودکی با هوش جسمانی بالا تربیت کنم» نوشته مشترک گلن دومن، داگلاس دومن و بروس هگی، به تازگی با ترجمه فاطمه سادات حسینی، توسط انتشارات رویش طلایی منتشر و راهی بازار نشر شده است.

